

نقطه گام دوم

و تمدن نوین اسلامی

«بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»: بیانیه‌ای است که اهمیت خاصی به مثابه نقطه عطف انقلاب اسلامی داشته و دارد. در این فرصت، خوانشی از این بیانیه ارائه می‌کنم، که به دوره‌بندی رهبر معظم انقلاب در این بیانیه و برای انقلاب اسلامی برمی‌گردد، اشاره می‌کنم. این دوره‌بندی هم مبنای نگاه به گذشته است و هم به آینده می‌باشد. ایشان سه دوره تاریخی برای انقلاب اسلامی و برای چهل سال آینده کشور برمی‌شمارند: مرحله اول، انقلاب اسلامی؛ مرحله دوم، جمهوری اسلامی و مرحله سوم، حرکت به سوی تمدن اسلامی، که به یکایک این مراحل می‌پردازیم.



سیدعباس صالحی

مرحله اول: انقلاب اسلامی

این نکته از بیانیه شایان توجه است، که ما چه تصویری از انقلاب اسلامی داریم و این تصویر از انقلاب اسلامی، تبعاً تصویرها و انتظارات ما را از مراحل بعد هم معنادار می‌کند. در فضای جهانی در سده‌های مختلف شاهد انقلاب‌های متعددی بوده‌ایم: انقلاب‌های ضد استبدادی، ضد استعماری و اقتصادی. در مرحله اول در این بیانیه، تفسیری از انقلاب اسلامی ایران با سه مشخصه خاص صورت می‌گیرد.

• مشخصه اول، انقلاب اسلامی، اعلام آغاز عصر جدید بود و نباید آن را صرفاً یک انقلاب جغرافیایی یا یک انقلاب منطقه‌ای بدانیم این امر به طور طبیعی انتظارات و برداشت‌های ما را نسبت به مراحل سه‌گانه انقلاب اسلامی تغییر می‌دهد. بنابراین، این یک انقلاب درون‌گرا و جغرافیایی نبود، اعلام آغاز عصر جدید بود و اگر انقلاب اسلامی را با این مشخصه تعریف کنیم تصویرها و تفسیرهای ما از انقلاب اسلامی در مسیر چهل ساله گذشته و آینده‌اش تغییرات قابل توجهی پیدا می‌کند.

• مشخصه دوم، انقلاب اسلامی ایران، ترکیب دین و دنیا بود. انقلابی که این دورا به عنوان دو بال هم‌تراز با هم داشته باشد موفق است.

• مشخصه سوم، انقلاب اسلامی، انقلابی بود با شعارهای جاودانی نه شعارهای کوتاه مدت، که هفت شعار ذکر می‌کنند: آزادی،

اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری. این مشخصه‌های سه‌گانه حوزه انتظارات و کارکردهای انقلاب اسلامی را بسیار تغییر می‌دهد.

راهبردهای سه‌گانه روند ورود انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی

نکته دومی که در بیانیه به آن توجه شده است، فرایند و چگونگی مسیری است که انقلاب اسلامی طی کرد و وارد جمهوری اسلامی (جمهوریت) به عنوان دوره دوم شد. این راهبردها و مسیری که انقلاب طی کرد چه بود؟ در این جا چند مشخصه را به عنوان خوانش - نه این که تیترو عنوان‌هایی با این شکل در بیانیه وجود داشته باشد - و برداشتم از بیانیه اشاره می‌کنم.

• راهبرد اول ترکیب جمهوریت و اسلامیت بود؛ انقلاب اسلامی در این ترکیب جمهوریت و اسلامیت خودش را در ساختار جمهوری اسلامی قرار داد و رهبر معظم انقلاب هم در این بیانیه و هم در جاهای دیگر خیلی به این ترکیب توجه دارند. در بیانیه نیز ایشان با عباراتی به این ترکیب‌سازی اشاره می‌کنند، می‌فرمایند: «ترکیب جمهوریت و اسلامیت فقط با هدایت الهی، قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی (ره) به دست آمد.» این نشان می‌دهد چقدر این ساختار هم‌سازانه جمهوریت و اسلامیت که ما تجربه آن را در تاریخ سیاسی و تمدنی خودمان نداشتیم، مهم بوده است.

• راهبرد دوم ترکیب جوشش انقلابی و نظم

رسیدند که نمونه‌هایش مثل انقلاب روسیه کاملاً خودش را نشان می‌دهد و انقلاب‌هایی بودند که به اقتدار نرسیدند و یک نوع هرج و مرج و آنارشیسیم اجتماعی حاکم بود و باعث شد این انقلاب‌ها در نقطه‌های آغازین یا میانی نابود شوند. اما ترکیب این دو با هم که در ادبیات رهبری در بیانیه بدین شکل آمده است: «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد» از راهبردهای انقلاب ما در فرایند حرکت انقلاب تا جمهوریت می‌باشد. حرکت از انقلاب به جمهوری اسلامی ترکیب‌سازی در سه حوزه، ترکیب‌سازی جمهوری و اسلامیت، ترکیب‌سازی جوشش انقلابی و نظم سیاسی، ترکیب‌سازی اقتدار و رحمت شکل گرفته است.

مرحله دوم: جمهوری اسلامی

در این مقطع که دوره جمهوری اسلامی است، بیانیه به چند نکته را اشاره می‌کنند. ابتدا این پرسش مطرح می‌شود که آیا جمهوری اسلامی تغییر هویت انقلاب اسلامی بود یا ادامه انقلاب اسلامی؟ برخی از مفسران، نظریه‌پردازان و منتقدان معتقدند، انقلاب اسلامی وقتی وارد جمهوری اسلامی شد بخش زیادی از گوهر انقلابی‌اش را از دست داد، اما رهبری معتقدند جمهوری اسلامی ادامه انقلاب اسلامی است و چیز جدیدی نیست، بلکه یک دوره تطور و تکاملی است که به جمهوری اسلامی می‌رسد. عده‌ای معتقدند که انقلاب‌ها بعد از مدتی به یک

سیاسی است؛ انقلاب‌هایی بودند که بعد از پیروزی، مسیر جوشش را ادامه دادند اما به یک نظم سیاسی نرسیدند. در همین دهه اخیر، انقلاب‌های بهار عربی همین‌گونه شد، در مصر و لیبی جوشش ادامه پیدا کرد، اما نظم سیاسی شکل نگرفت. انقلاب‌هایی هم بودند که به سرعت به سمت نظم سیاسی حرکت کردند اما جوشش‌ها را از دست دادند و به دیکتاتوری‌های استالینی و شبه آن تبدیل شدند. انقلاب اسلامی مسیری بود که ترکیب جوشش انقلابی و نظم سیاسی را با هم پیش برد و به مرحله دوم جمهوری اسلامی رساند. بعد از انقلاب بسیاری به امام و رهبران عالی توصیه می‌کردند که چرا انتخابات برگزار می‌کنید و دست خودتان را می‌بندید، چرا قانون اساسی می‌نویسید، نگاهشان این بود که جریان جوشش انقلابی باید جریانی باشد که فعلاً ادامه داشته باشد و بعد از یکی دو دهه به سمت یک نظم سیاسی برود. عده‌ای هم شبیه دولت موقت به نظم سیاسی، زیاد تأکید می‌کردند و این که باید سریع به سمت ساختار بروکراتیک روشن سیاسی حرکت کنیم. اما امام ترکیب جوشش انقلابی و نظم سیاسی را با هم پیش برد و روند انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از این مسیر عبور کرد.

● راهبرد سوم ترکیب قدرت و اختیار با مهربانی و رحمت بود؛ در طول تاریخ انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی، انقلاب‌هایی بودند که سریع به آن جبر اقتدارگرایانه انقلابی

بحث عدالت می‌فرمایند که فاصله ژرفی میان آنچه تا کنون شده با آنچه باید می‌شده یا باید بشود وجود دارد. هم‌چنین نقدهای مختلفی به حوزه مسئولان و مدیران حاکمیتی در دوره‌های مختلف دارند. نقدهایی از قبیل: غفلت از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کشور، ضعف‌های مدیریتی، کم‌توجهی به شعارهای انقلاب و ارزش‌های دینی و... در بحث فساد اگرچه تعبیرشان این است که نسبت فساد در میان کارگزاران جمهوری اسلامی در مقایسه با سایر حکومت‌ها کمتر است، ولی حتی آنچه که هست هم غیر قابل قبول است.

● نکته سوم: اعتبارسنجی این‌هاست، یعنی ما در نگاه رهبری کدام بخش را سنگین‌تر می‌بینیم. این از آن نقطه‌هایی است که زاویه دیدها و نوع تعبیرات و ادبیات را می‌تواند نسبت به گذشته و تبعاً نسبت به آینده متفاوت کند. یعنی در این ترازویی که دو کفه‌ی مثبتات و نقائص را دارد، چهل سال را چگونه ارزیابی می‌کنیم؟ از توصیف و ادبیات ایشان این‌گونه برمی‌آید و برداشت این است که ایشان معتقدند ایجابیات و مثبتات خیلی بیشتر از نقص‌ها و نقدهاست. یعنی ما باید با یک نگاه ایجابی به گذشته بنگریم، حتماً نقدهایی هست و نفی نمی‌کنیم که ایشان هم به این نقص‌ها پرداخته‌اند. اما ادبیات بیانیه نیز آمده است: «رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست و دل‌های امین و خدمت‌گزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خاینان و کیسه‌دوختگان است. دستاوردهای

نظام تبدیل می‌شوند و وقتی به یک نظام تبدیل شدند، جوهره انقلاب خودشان را از دست می‌دهند. آیا در انقلاب اسلامی ایران این اتفاق افتاده است؟ آیا جوهره انقلابی تغییر هویت پیدا کرده و ما به یک نظام سیاسی ایستا تبدیل شدیم؟ ایشان چنین اعتقادی ندارند و معتقدند جمهوری اسلامی ادامه انقلاب اسلامی است.

در این مرحله سه نکته به وضوح در بیانیه دیده می‌شود:

● نکته اول، در این دوره یعنی دوره‌ای که تقریباً نزدیک چهل سال با جمهوری اسلامی مواجهیم، جمهوری اسلامی دستاوردهای گسترده و متنوعی هم در ابعاد مختلف ذهنی و درونی و هم در ابعاد عینی داشته است. در ابعاد ذهنی و درونی، باور این که ما می‌توانیم، گسترش بینش، فهم و درک سیاسی آحاد جامعه به روشن‌فکری که مربوط به نخبگان اجتماعی و... در حوزه کارکردهای عینی هم ایشان حداقل بر روی هفت حوزه انگشت می‌گذارند که در این هفت حوزه اتفاقات خیلی وسیعی افتاده است که به آن‌ها نمی‌پردازم.

● نکته دوم: نقدهایی است که به این دوره داریم. رهبری در عین آن فضای توصیفی که در بیانیه بیان کردند، نقدهایی هم به این دوره دارند. مثلاً در حوزه پیشرفت علمی ایشان به‌رغم تعبیرات محکمی که برای تبیین این پیشرفت دارند، بیان می‌کنند که این صرفاً یک شروع است نه بیشتر. یا در

مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست.» خوب این گزاره‌ها نشان می‌دهد که تصویر و تحلیل ایشان نسبت به این دوره جمهوری اسلامی این است که بخش پر لیوان بیشتر از بخش خالی است و ما باید این بخش پر را بیشتر بشناسیم و معرفی کنیم.

مرحله سوم: تمدن اسلامی

این مرحله‌ای است که می‌توان گفت فلسفه تدوین بیانیه نیز می‌باشد. اولین مسئله در این جا نوع نگاه به تمدن در تفسیر رهبری است، یعنی وقتی ما مرحله سوم را به عنوان به سوی تمدن اسلامی تعبیر می‌کنیم با چه تصویری از تمدن اسلامی مواجه می‌شویم. چون اگر تمدن به معنای فرآیند مدنیت یا نتیجه و ره‌آورد مدنیت تعریف شود، آن مدنیت را چگونه تفسیر می‌کنیم که بعد بخواهیم این تمدن‌سازی اتفاق بیفتد، چرا که تمدن‌های مختلف در طول تاریخ و تمدن‌های معاصر ما جلوه‌های مختلفی دارند. مثلاً در تمدن یونانی جلوه‌های بارزش در دموکراسی یونانی، در فلسفه، ادبیات، هنر، ورزش و بازی‌های یونانی که الآن هم در المپیک نمود دارد، برخوردار می‌شود. یا امپراتوری از جلوه‌های مدنیت رومی است که به عنوان یک گستره بزرگ جغرافیای سیاسی از یک دوره‌ای به بعد در قرن چهارم در دین رسمی مسیحیت شکل می‌گیرد و همین طور جلوه‌های مدنیت در تمدن هندی، چینی، ایرانی، تمدن غربی امروزه و... اما ما تمدن

اسلامی یا مدنیت اسلامی را با چه تفسیری تعریف کنیم که بعد مقطع سوم را به عنوان به سوی تمدن اسلامی بشناسیم؟ البته مقام معظم رهبری در بیانیه تعریف مشخصی را ارائه نمی‌کنند اما از بیانات دیگر ایشان این‌گونه برمی‌آید که مدنیت را پیشرفت همه جانبه تعریف می‌کنند، این پیشرفت همه جانبه سه ساحت دارد که کاملاً در این بیانیه محسوس است: اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی.

سه ساحت پیشرفت همه جانبه: اقتصادی،

سیاسی، فرهنگی - اجتماعی

در ساحت اقتصادی ایشان دو محور را اشاره می‌کنند: اول، اقتصاد قوی و مستقل؛ دوم، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی. در ساحت سیاسی در بیانیه پیشرفت دو حوزه دارد: اول، استقلال و آزادی، دوم، عزت ملی. و در ساحت فرهنگی و اجتماعی نیز پیشرفت دو حوزه دارد: اول، اخلاق و معنویت که ایشان تعبیر خوبی دارند، شعور معنوی و وجدان اخلاقی، ما همان‌طور که یک شعور علمی داریم یک شعور معنوی نیز باید اتفاق بیفتد؛ دوم، سبک زندگی ایرانی اسلامی.

بنابراین آن پیشرفت همه جانبه متوازن در مدنیت اسلامی و در تمدن اسلامی که ما می‌خواهیم به سمت آن حرکت کنیم این سه ساحت را دارد و با این دو حوزه که در هر کدام از این سه ساحت وجود دارد جمعاً شش ساحت پیشرفت داریم و تمدن اسلامی شکل نمی‌گیرد مگر این که در همه این ساحت‌ها

شده ما یک کشور محصور در آخر دنیا و کم معدن و کم ذخیره طبیعی نباشیم.

● سوم، ظرفیت جهانی است، که ایشان معتقدند ما در چند شاخه این ظرفیت جهانی را داریم. اول، آمیختگی فطرت انسان با شعارهای انقلاب بود. آن هفت شعار ابدی انقلاب که گفته شد همگی با فطرت انسان‌ها درگیر است. این فطرت حتی نیاز به بیدار کردن ندارد، بلکه فقط کافی است ما این فطرت را قلقلک بدهیم تا بتواند یک خیزش ایجاد کند. دوم، جریان بیداری اسلامی در فضای جهان اسلام است و سوم، تغییرات معادلات قدرت در منطقه غرب آسیاست.

سؤال دوم این که ما پذیرفتیم این ظرفیت‌ها وجود دارد، با تهدیدها چکار کنیم؟ آیا این تهدیدها می‌توانند ما را از پا در بیاورند یا توقع تمدن‌سازی را از ما بگیرند؟ ایشان به سه تهدید اشاره می‌کنند: نخست، تحریم‌ها و فشار اقتصادی؛ دوم، امپراتوری رسانه‌ای تمدن‌های رقیب؛ سوم، ترویج سبک زندگی غربی در سبک جوامع اسلامی از جمله جامعه ما، که ایشان در بیانیه به این سه تهدید و این که چگونه می‌توانیم از پس آن‌ها برآیم اشاره می‌نماید.

موتورهای پیشران در تمدن‌سازی

نکته بعدی که ایشان مطرح می‌کنند، موتورهای پیشران هستند. اگر ما به تمدن‌سازی اسلامی فکر می‌کنیم، حتماً تمدن‌ها، موتورهای پیشران می‌خواهند. بر اساس خوانش و برداشتم از بیانیه، ایشان

با هم حرکت کند. مثلاً اگر معنویت باشد اما اقتصاد قوی و مستقل نباشد تمدن اسلامی شکل نمی‌گیرد و عکس آن هم هست. بنابراین تفسیر ایشان از تمدن اسلامی یعنی پیشرفت متوازن همه جانبه در اضلاع سه‌گانه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع و با شاخه‌هایی که ارائه شد.

اما چگونه می‌خواهیم به این فضا که یک چشم‌انداز است، نزدیک شویم به شکل گزاره‌هایی که در بیانیه می‌باشد، قابل ارائه است. این مسئله سؤال‌هایی را ایجاد می‌کند، سؤال اول این که آیا ما ظرفیت تمدن‌سازی را داریم؟ آیا جمهوری اسلامی ظرفیت ورود به این مرحله را دارد؟ یا این یک ادعای بزرگ و اغراق‌آمیزی است و ما در نهایت بتوانیم سرپای خودمان بمانیم، اما تمدن‌سازی خیر. ایشان معتقدند این ظرفیت وجود دارد و به سه مورد اشاره می‌کنند:

● نخست، ظرفیت انسانی است، که ایشان در بیانیه، این ظرفیت انسانی را در زاویه‌های مختلف عرضه می‌کنند: ۳۶ میلیون نفر در میانه سنین پانزده و چهل سالگی، نزدیک به چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، جوانان مؤمن و انقلابی که داریم و... همه این‌ها ظرفیت انسانی جمهوری اسلامی است.

● دوم، ظرفیت مادی است. در حوزه‌های منابع و معادن، سواحل، موقعیت جغرافیایی، بازار بزرگ منطقه‌ای و... همه این‌ها ظرفیت‌های مادی بزرگی هستند که باعث

در چهار ساحت به موتور پیشران قائلند: اول، روان‌شناختی؛ دوم، معرفت‌شناختی؛ سوم، فن‌آوری و مهارت؛ چهارم، منابع انسانی. اگر می‌خواهیم مسیر جمهوری اسلامی را به سوی تمدن اسلامی حرکت دهیم و پیش ببریم و به مقصد برسیم باید این موتورها با هم روشن شوند.

● در سطح روان‌شناختی موتور مهم امید است. ایشان می‌فرمایند امید کلید همه قفل‌هاست. اگر می‌خواهیم اتفاقاتی بیفتد هر قدر بر ناامیدی بیافزاییم، این مسیر دست‌نیافتنی‌تر خواهد شد. بنابراین باید موتور امید اجتماعی را نسبت به پیشرفت، عزت، عدالت و... فعال کرد و انبوه یأس و ناامیدی را بر جامعه مسلط نکرد. تعبیر ایشان در بیانیه این است: «نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و ناامیدی را در خود و دیگران برانید.»

● در سطح معرفت‌شناختی، موتور مهم علم و آگاهی است. ادبیات ایشان درباره علم و آگاهی در این بیانیه این گونه است: «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است» پس اگر می‌خواهیم مسیر تمدن‌سازی را شکل دهیم، حوزه معرفت باید تغییر قابل توجهی بکند.

موتور فن‌آوری تمدن‌ساز در ساحت فن‌آوری مطرح است. گزاره‌ای که ایشان

در موتور فن‌آوری تمدن‌ساز دارند، تبدیل نرم‌افزاری ظرفیت به قدرت است. این که چطور می‌توان این ظرفیت‌هایی که ایشان در جای جای بیانیه ذکر کردند را محقق کرد، ایشان به برخی‌هایش اشاره می‌کند. از جمله این که چگونه می‌توانیم از انباشت تجربه‌ها استفاده کنیم، انباشت تجربه‌های متراکم در چهاردهه یکی از نکاتی است که می‌تواند ما را به مهارت تبدیل ظرفیت به قدرت منتقل کند. ما تجربه‌های وسیع فراموش شده داریم که از آن غنی‌سازی نمی‌کنیم و این موجب می‌شود که نتوانیم ظرفیت را به قدرت تبدیل کنیم.

و در نهایت موتور چهارم پیشران، موتور منابع انسانی است. موتور منابع انسانی در بیانیه خیلی مشهود است و آن جوانان است. در بخش جوانان، باز ایشان فضای این موتور منابع انسانی را تفسیر می‌کنند، این که ما با چه نگاهی این قسمت را به عنوان موتور حرکت تمدن‌سازی تلقی می‌کنیم نیز بسیار مهم و دقیق است و از مواردی است که ایشان بیشتر به آن پرداخته‌اند. نکته قابل توجه دیگر این که در عین اتصال نسلی، پوست‌اندازی باید اتفاق بیفتد، که البته این جریان تمدن‌سازی اسلامی فقط با تغییر مدیران و در حوزه کارگزاری نیست، بلکه سه ساحت دارد: مدیران و کارگزاران، دانشمندان و اندیشوران و فعالان جوان. این مجموعه سه‌گانه باید با هم‌دیگر حرکت کنند تا بتوانند به آن نقطه‌ای که باید برسند.

و اجتماعی. نکته بعدی این که ما از طرفی ظرفیت حرکت به سوی تمدن‌سازی و پیشرفت همه‌جانبه را داریم، از سوی دیگر، با تهدیدها نیز می‌توانیم مقابله کنیم. در آخر این که برای تمدن‌سازی باید موتورهای پیشران چهارگانه را فعال کنیم: علم، تبدیل نرم‌افزاری ظرفیت به قدرت و اتکای به نسل جوان به عنوان کانون منابع انسانی تمدن‌سازی. امیدوارم اثری که عرضه شده منشأ برکات فراوان برای انقلاب و جمهوری اسلامی باشد و گام‌های مهمی را برای تمدن‌سازی نوین اسلامی بردارد و از کارهای ماندگار باشد.

پی‌نوشت:

۱. سخنرانی دکتر سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در افتتاحیه همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» مرکز همایش‌های غدیر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۹۸/۱۱/۲۴.

بنابراین به عنوان جمع‌بندی اشاره می‌کنم، که ایشان معتقدند سه مقطع تاریخی وجود دارد: اول، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، به سوی تمدن اسلامی. تصویر ایشان از انقلاب اسلامی این است که انقلابی است با اعلام عصر جدید، ترکیب دین و دنیا و شعارهای ابدی. این انقلاب روندی را برای رسیدن به جمهوری اسلامی طی کرده است. این روند ترکیب‌سازی سه‌گانه بود: جمهوریت و اسلامیت، جوشش انقلابی و نظم سیاسی، قدرت و رحمت. در مقطع دوم از نظر ایشان جمهوری اسلامی ادامه انقلاب اسلامی است که دستاوردهای بزرگ، نقدها و نقص‌های جدی دارد اما دستاوردها بسیار سنگین‌تر از نقدها می‌باشد. سوم، حرکت به سوی تمدن و مدنیت اسلامی، مبتنی بر پیشرفت همه‌جانبه در سه ساحت اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع می‌باشد. اقتصاد قوی و مستقل، عدالت و مبارزه با فساد در حوزه اقتصاد؛ آزادی و عزت ملی در حوزه سیاست؛ و در نهایت اخلاق، معنویت و سبک زندگی ایرانی اسلامی در حوزه فرهنگی